

کارگران یقه آبی و لمپن پرولتاریا در کارگاه های زندان قصر:

(۱۳۳۲ - ۱۳۰۴ ه.ش)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۹، شماره یک: ۵۳۷-۵۲۱

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

یعقوب خزائی^۱

دانشیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی

پدیرش ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده

حقوقدانان منشاء بسیاری از بزه‌ها را بیکاری افراد تلقی می‌کنند و لذا با ایجاد کارگاه در زندان پرورش زندانیان بهنجار مطمح نظر است. طبق آئین نامه‌های زندان کار در کارگاه‌ها فقط مخصوص زندانیان عادی بود. حال پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کیفیت کار زندانیان و رابطه کارفرمایی و کارگری در درون کارگاه‌های زندان را مورد واکاوی قرار دهد. یکی از پیچیدگی‌های موضوع کنونی این است که زندانیان عادی که به حبس محکوم شده بودند، و بعد در کارگاه‌ها به عنوان کارگر مشغول به کار می‌شدند، آیا می‌توان آنها را به لحاظ اصول طبقاتی در چارچوب طبقه کارگر قرار داد؟ و پرسش مهم‌تر اینکه آیا از نظر مفهومی تمایزاتی میان «کارگران زندانی» و «زندانیان کارگر» وجود دارد؟ مقاله بر این فرضیه استوار است که «زندانیان کارگر» را نمی‌توان در شمار اعضای طبقه کارگر قرار داد چرا که تبدیل شدن یک زندانی به کارگر جزء اختیارات مسئولان و مقامات زندان بوده است و آنها بودند که تصمیم نهایی را می‌گرفتند که فردی را در کارخانجات به عنوان کارگر به کار بگمارند یا نه. از این جهت زندانیان در انتخاب نوع کار و نیز تدارک اعتصاب نسبت به رفتارهای مقامات زندان چندان اختیاری از خود نداشتند. دستاوردهای پژوهش موید آن است که «زندانیان کارگر» را نمی‌توان از نوع کارگران یقه آبی و طبقه کارگر تلقی کرد از این جهت نگارنده برای تبیین وضعیت «زندانیان کارگر» یا یقه نارنجی‌ها اصطلاح «استثمار به توان ۲» را وضع نموده است تا تمایز آن را با استثمار «کارگران زندانی» یا یقه آبی‌ها نشان دهد.

واژگان کلیدی: کار، کارخانه، زندان، کارگران یقه آبی، یقه نارنجی، لمپن پرولتاریا.

مقدمه

«کار» در نزد برخی فلاسفه و متفکران چنان جایگاه بلندی داشته است که از آن به عنوان خط تمیز انسان و حیوان نام برده اند. مارکس یکی از متفکرانی است که تفاوت اصلی بین انسان و حیوان را «کار کردن» تلقی می‌کند (مارکس و انگلس ۱۳۷۷: ۴۱) و به نظر او «کار» وجه اصلی پراکسیس اجتماعی است.^۱ در اندیشه مارکس عقل و قوای عقلانی در انسان چندان اهمیت نداشت، آن سان که نزد اندیشه ورزان سنتی و مدرن آن نظیر سقراط، ارسطو، دکارت، کانت و هگل و دیگر عقل‌گرایان^۲ بنیادین محسوب می‌شد. در قرن ۱۹ و ۲۰ داروین^۳ و فروید^۴ دو تن از دانشمندان بزرگ به شمار می‌آمدند که وجه عقلانی و خردورز بشری را با آراء خود به چالش جدی فراخواندند. مارکس را هم می‌توان در این رده جای داد. در اندیشه مارکس به جای انسان سیاسی خردورز، انسان اقتصادی^۵ مطرح نظر قرار گرفت. در این چشم انداز انسان دیگر حیوانی ناطق و عقلانی نیست؛ بلکه انسان حیوانی است ابزارساز که توان و استعداد کار کردن را در خود دارد. به قول بودریار^۶ نخستین فعلی که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد، این است که انسان به تولید لوازم و مایحتاج ضروری زندگی خود می‌پردازد (Buadrillard, 1975: 22). مارکس به پیروی از فوئرباخ^۷ نظر خود را در باره ی انسان بر کار استوار کرد و مقصودش از کار داد و ستد جسمانی با طبیعت بود. در این چشم انداز کار شرط هر گونه فعالیت روحی انسان است (کولاکوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). لذا اندیشه در نزد مارکس به مساله ثانوی در برابر حیات

۱. یورگن هابرماس متفکر نئومارکسیست بعدها در اواخر قرن ۲۰ به جهت آنکه مارکس «کار» را مفهوم اصلی تلقی کرده بود، انتقاد روا می‌دارد.

۲. Rationalists

۳. چارلز داروین (Charles Darwin) زیست‌شناس انگلیسی با طرح نظریه تکامل یکی از جدی‌ترین نقدها را به انسان عاقل و خردمند وارد ساخت و مارکس هم‌عصر وی بشدت زیر تاثیر نظریه داروین قرار داشت بطوریکه وقتی مارکس جلد نخست سرمایه را به رشته تحریر درآورد، نامه ای به داروین نگاشت و خواست که کتاب را به داروین تقدیم کند که این زیست‌شناس آن را محترمانه رد کرد.

۴. زیگموند فروید (Sigmund Freud) روانکاو اتریشی هم با نظریه ناخودآگاه خود به شکل ریشه ای پارادایم آگاهی که از دکارت تا هوسرل را به خود مشغول کرده بود، به نقد کشید.

۵. Homo economicus

۶. Jean Baudrillard

۷. Ludwig Feuerbach

مادی بدل می‌شود. اما مساله‌ای که متفکران قرن ۱۹ مانند مارکس اساسا بدان نیندیشیده بودند، مساله کار در زندان است؛ چرا که مساله کار در زندان تازه در قرن ۱۹ شروع شده بود. در قرن ۱۹ بحث کار در زندان به تدریج مورد توجه قرار گرفت. در واقع یکی از نشانه‌های گسست در زندان مدرن در قیاس با سیاهچال‌ها تاسیس کارگاه‌ها و اشتغال به کار زندانیان است. اهمیت کار و نقش آن در حیات آدمی بر هیچ کسی پوشیده نیست. همانطور که بسیاری از بزه‌ها زائیده بیکاری است، این مسأله در زندان نیز خود را باز می‌نمایاند. حال که افرادی از اجتماع به علت تخطی از قوانین جامعه به زندان افتاده‌اند، آیا با بیکاری آنان بسترهای مجدد بزهکاری آنان مهیا نمی‌شود؟ بنابراین سازمان زندان‌ها می‌بایست اقداماتی به منظور رفع بیکاری صورت دهد و افراد واجد «آنومی»^۱ را با بازپروری بهنجار سازد. حال مساله مقاله حاضر این است که کیفیت کار در زندان را مورد ارزیابی قرار دهد تا به آشکار شدن تفاوت‌های کار در ساحت زندان با کار در کارخانه‌های بیرون از زندان کمک کند. بدین منظور راقم این سطور از اصطلاح «کارگران یقه آبی»^۲ که بیشتر با نوشته‌های سی رایت میلز (۱۹۶۲ - ۱۹۱۶) جامعه شناس آمریکایی اشتها یافته است^۳، بهره برده که مقصود از آن کارگرانی است که در مشاغل یدی به کار مشغول اند. مقاله حاضر با این پرسش مباحث را ارائه می‌دهد که آیا «کارگران زندانی» همان زندانیانی هستند که در کارخانجات زندان به کار مشغول بودند؟ در مقاله حاضر قرار است تمایزات میان «کارگران زندانی» یا «یقه آبی»ها با «زندانیان کارگر» یا «یقه نارنجی»ها روشن شود. مقاله حاضر برخلاف رویکردی پی تامسون^۴ که به کارگران در محیط آزاد عطف توجه دارد، به کارگران زندانی می‌پردازد که در کارگاه‌های زندان میزان انتخاب و آزادی عمل شان نسبت به هموعان بیرونی شان اندک است.

۱. مفهومی که نخستین بار دورکیم آن را به شکل اصطلاحی کلیدی به کار گرفت و مقصود از آن وضعیت فردی است که هنجارهای اجتماعی در رفتارش تضعیف شده یا از بین رفته است.

۲. Blue collar workers

۳. یکی از نوشته‌های میلز یقه سپیدان^۳ منتشره به سال ۱۹۵۱ است که نقد رادیکالی بر کارکنان اداری و درحقیقت طبقه متوسط جدید است.

۴ E.P. Thompson

یافته‌ها

شاید برای نخستین بار است که دو نوع متمایزی از کارگران در چارچوب یک نهاد یعنی نهاد زندان تعریف و مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش بر آن است تا تمایزات دو مفهوم وضع شده توسط راقم این سطور یعنی «کارگر زندانی» و «زندانی کارگر» تبیین شود. تقدم و تاخر دو اصطلاح «زندانی» و «کارگر» در این مفهوم سازی مهم و حائز اهمیت است. در واقع «کارگر زندانی» یعنی فردی که در ابتدا نقش و هویت کارگری داشته و بعد با اقداماتی همچون اعتصاب راهی زندان شده است. به سخن دیگر مقصود از «کارگران زندانی» این است که کارگران یقه آبی با اقدامات و اعتصابات خود راهی زندان می‌شوند و در این طیف کارگر بودن هویت اصلی آنان به شمار می‌آید. این کارگران معمولاً تحت عنوان اتهام‌های سیاسی بازداشت می‌شدند و لذا طبق قانون حق کار در زندان را نداشتند. ولی مفهوم «زندانی کارگر» عموماً ناظر به طبقه لومپن پرولتاریا است که به دلیل بیکاری و بزهکاری راهی زندان شده و این افراد در بخش زندانیان عادی واجد حق کار در کارگاه‌های زندان می‌باشند. این طیف بعد از حبس نقش کارگر را برعهده می‌گرفتند و الا قبل از آن احتمالاً در جامعه به کارهایی همچون سرقت، کلاهبرداری، گدایی و دیگر بزهکاری‌ها مشغول بودند. لذا اصطلاح «زندانیان کارگر» که به جهت رنگ لباسشان در غرب به «یقه نارنجی» هم معروفند، مفهوم اصلی مقاله حاضر به شمار می‌آید، و این اصطلاح ناظر به مجرمانی همچون سارقان، قاتلان، کلاهبرداران و ... است که حق کار در کارگاه‌های زندان متعلق به این طیف است و این افراد به دلیل خاستگاه لمپن پرولتاریایی شان توانش مقابله به اقدامات غیرقانونی مسئولان زندان را نداشته و بیش از کارگران خارج از زندان تحت استثمار واقع می‌شوند. در واقع یقه آبی‌ها قبل از حبس با خودآگاهی طبقاتی در سامان دادن اعتصابات کارگری نقش داشتند ولی طیف دوم که احتمال آن هم می‌رود که برخی از آنان سوابق کارگری هم داشته باشند، اغلب بیکار بوده و از فرط بیکاری به رفتارهای مخاطره آمیز علیه دیگر شهروندان مبادرت می‌کردند. بدین جهت بی‌آنکه مفهوم لمپن را بر همه این زندانیان بار کنیم، می‌توان شمار قابل توجهی از آنان را لمپن تلقی کرد.

کار در مقام امر دوژور^۱

در اصل به منظور ایجاد کارخانه در زندان و کار کارگران باید به دنبال آئین نامه‌ها و قوانینی باشیم که به چنین موادی اشاره داشته اند. نخستین مواد قانونی در این رابطه در عهد ناصرالدین شاه تدوین شده اند. ناصرالدین شاه در بازگشت از سفر دوم فرنگ خود در سال ۱۲۹۵ ه.ق فردی به نام کنت دو مونت فورت^۲ را به منظور سامان دادن به وضع امنیت تهران و تشکیل پلیس به استخدام دولت در آورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۹۷ و ۲۰۹۶).

کنت در صدد برآمد تا به منظور اصلاح سازمان پلیس ایران آئین نامه‌ای نوشته به تصویب شاه برساند. طرح تنظیمات کنت مشتمل بر ۸ فصل بود و هدف از این طرح انتظام امور پلیس بود. فصل هیجدهم و پایانی طرح تنظیمات به مجرمان و مجازات آنان اختصاص داشت. او پیشنهاد کرده بود که در انبار دولتی^۳ پنج باب حجره به منظور ایجاد پنج حرفه ی نجاری، نجاری، اره‌کشی، خیاطی و کفاشی تخصیص داده شود تا با این ترتیبات نوین زندانیان در طول روز به کار مشغول شوند و از این جهت گرفتار افسردگی نشوند. کنت فایده دومی نیز برای اشتغال به کار زندانیان ذکر می‌کند و آن اینکه از طریق کار کردن قوای بدنی زندانیان تحلیل نرفته و سلامت بدنشان حفظ می‌شود. سوم اینکه از نظر کنت برخی زندانیان قوی بنیه که مرتکب قتل و غارت می‌شوند، به صرف حبس دست از اعمال خود برنمی‌دارند ولی اشتغال به کار ممکن است آنان را تنبیه کند و اگر چنین افرادی در دوران زندان حرفه‌ای بیاموزند پس از خاتمه محکومیت به رفتارهای سابق خود باز نمی‌گردند (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲: ۶۷ و ۶۶).

به نظر می‌رسد این نخستین بار است که حق «زندانیان کارگر» در آئین نامه‌ها درج می‌شود و برای نخستین بار به شکل مدون کار برای زندانیان تعریف شد. اما در آن دوران هیچ اقدامی برای ساخت کارگاه صورت نگرفت.

بدین ترتیب از دوران قاجار اندک اندک تغییراتی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و حقوقی پیش آمده بود و مشروطیت بر پایه ی آن تغییرات شکل گرفت. با این گسست

^۱. de jure

^۲. conte de monte forte (1878-1916)

^۳. زندان عصر قاجار را «انبار» اطلاق می‌کردند (مجدالاسلام کرمانی، بی تا: ۱۴۱؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۳۲ و ۲۳۳؛ جودت، ۲۵۳۶: ۷ و ۶).

تدریجی جامعه ایرانی دستخوش تغییر و تحولاتی در عرصه‌های گوناگون شد. بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت مساله کار و حقوق کارگران نیز در مرامنامه احزاب پدیدار شد و اتحادیه صنفی کارگران شکل گرفت (پیشه وری، ۱۳۷۷: ۷۵). پرواضح است که به سان اروپا در ایران نیز این احزاب چپ بودند که بیشترین تلفات را به کار و کارگران داشتند بطوریکه در فصل هفتم مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران (عامیون) تحت عنوان «اصول اقتصادی» به «کار» هم عنایت ویژه‌ای شده بود. چند ماده زیر در مرامنامه ی حزب دموکرت به این موضوع عطف توجه داشته‌اند:

ماده هشتم «ممنوع بودن کار و مزدوری برای بچه یی که به چهارده سال نرسیده باشد»

ماده نهم «محدود بودن مدت عمل در شبانه روز منتهی به ده ساعت^۱»

ماده دهم «استراحت عمومی و اجباری یک روز در هفته»

ماده یازدهم «مواظبت به لوازم عمل و حفظ الصحه کارخانجات» (مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های

احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۶۱: ۸ و ۷).

در دوران مشروطیت با آمدن سوئدی و تصدی آنان بر نظمی و ژاندارمری تحولاتی در تدوین آئین نامه صورت گرفت. وستداهل^۲ رئیس سوئدی نظمی آئین نامه‌ای برای زندان تدوین کرد و در سال ۱۲۹۸ ه.ش به تصویب هیئت دولت رساند. این نخستین آیین نامه مدون در تاریخ کفیری ایران بود. در نظامنامه یاد شده به حقوق زندانیان نیز عنایت شده بود و یکی از این حقوق اشتغال به کار زندانیان بود (لواء مختاری، ۱۳۲۹: ۳۶ و ۳۷). طبق مواد این آئین نامه تمام محکومان می بایست به مجرد ورود به زندان و پس از فراغت از کار به وسیله نگهبانان تفتیش شوند (همان: ۳۶). نظم و انضباط در زندان مورد تأکید قرار گرفته بود؛ زندانیان از صحبت کردن به هنگام کار منع شده بودند (همان: ۳۷ و ۳۶). یکی دیگر از قوانین مهم راجع به زندان قانون « وادار نمودن محبوسین غیر سیاسی به کار^۳» بود که اولین آیین نامه آن در ۱۲ اسفند ۱۳۱۴ و

^۱. بعدها طبق قانون کار ساعات کار روزانه ۸ ساعت تعیین شد (طبقه کارگر ایران، ۱۳۵۷: ۲۳).

^۲. Vestedahal

^۳. مطابق قانون حق کار در زندان فقط به زندانیان عادی اختصاص داشت و مسئولان زندان تا مدت‌ها اجازه کار به زندانیان سیاسی را نمی داد. روسا و مدیران زندان قصد داشتند با بیکاری زندانیان سیاسی فشار عصبی زندانیان را تشدید کنند. بیکاری زندانیان به راحتی می توانست باعث اختلالات روانی آنان گردد. به عنوان نمونه سردار رشید

دومین آیین نامه آن در مرداد ماه ۱۳۱۵ به تصویب رسید (اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، ۱۳۸۴: ۹۶). مطابق آیین نامه ها، زندانیان سیاسی حق کار در کارخانجان زندان را نداشتند (علوی، ورق پاره‌ها زندان، ۱۳۵۷: ۶۳؛ بابایی، ۱۴۰۰: ۳۰۳ - ۲۸۰)

در اینجا باید دقت داشت که کار در کارخانجات زندان غیر از کار شاقه است که در آئین نامه هم بدان اشارت رفته بود. در واقع حبس با اعمال شاقه^۱ همانطوری که از نامش برمی آید در مرحله اجرا غیر از حبس تادیبی است، زیرا زندانی علاوه بر سلب آزادی مجبور به انجام کارهای دشوار نیز می‌باشد و آئین نامه هم برای اجرای آن در سال ۱۳۰۸ تنظیم و تصویب شد. نظامنامه طرز اجرای مشاغل محکومین با اعمال شاقه به موجب ماده ۵۳ قانون مجازات عمومی جزئیات رفتار با محکومان را روشن می‌کرد. برخی از مواد مهم آن عبارتند از:

۱- کارهایی که محکومین به اعمال شاقه باید به آن مشغول گردند عبارت است از عملگی،

راه سازی، بنایی در ساختمانها و معادن دولتی

کردستانی «روزی اقلا هیجده ساعت قدم می زد» و حبس طولانی مدت باعث اختلالاتی در او شده بود (پیشه وری، ۱۳۸۴: ۵۱). در نتیجه ی بیکاری زندانیان سیاسی آنان تصمیم به اعتصاب گرفتند. با پیروزی اعتصاب به زندانیان اجازه کار داده شد. ولی زندان اجازه کار مشترک سیاسی ها با زندانیان عادی را نداد. مسئولان تصمیم گرفتند سیاسی ها مجزا از دیگر زندانیان کار کنند؛ زیرا این ترس وجود داشت که زندانیان سیاسی ها عقاید خود را بین زندانیان عادی تبلیغ و اشاعه دهند. از این رو اتاق بزرگی در اختیار سیاسی ها قرار گرفت تا آنها برای خود کار کنند. در این اتاق هر کس برای خود چیزی درست می کرد و دست ساخت خود را به پاسبان می داد و او در بیرون می فروخت. نیمی از پول به پاسبان و نیمی دیگر به زندانی می رسید. اشپائی که اینان می ساختند به قیمت خیلی نازلی به فروش می رسید (آوانسیان، ۱۳۵۸: ۳۴). یک نمونه دیگر از کار زندانیان سیاسی مربوط به تقی ریاحی است. سرتیپ مهندس تقی ریاحی رئیس سابق ستاد ارتش دولت مصدق و استاد دانشکده فنی تهران بعد از کودتای ۲۸ مرداد در زندان قصر محبوس بود. ریاحی در کارخانه آهنگری زندان قصر ساعاتی از روز را به کار مشغول بود و حقوقی هم طبق آئین نامه زندان که دست کم مشتمل بر ۱۰ ریال بود، دریافت می کرد (خواندنیها، سال ۱۴، شماره ۸۵، ۱۳۳۳/۴/۲۶: ۱۱). ولی این ها استثنائاتی است که تحت شرایط خاصی صورت می گیرد والا قاعده معمول حق کار برای زندانیان عادی است.

۱. اعمال شاقه از گذشته های دور در مورد مجرمان اعمال می شده است بطوریکه در دوره ساسانی اعمال شاقه عبارت بود از راهسازی، سنگ شکنی، درخت بری و قطع چوب برای آتش مقدس و غیره (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۴۱۶). در دوران مشروطه هم صاحب منصبان سوئدی برخی از زندانیان را به منظور عملیات عمرانی و اعمال شاقه جهت ساختن زندان جدید به کار گماشتند (بری دال، ۱۳۸۰: ۴۹).

۲- پاهای محکومین به اعمال شاقه باید از مچ به وسیله زنجیری که وزن آن یک من باشد، بهم متصل گردد(نامه شهربانی، شماره ۱۸، بی تا: ۱۳).

در قانون مجازات عمومی یکی از مجازاتهای جنایت، حبس با اعمال شاقه تعریف شده بود. اعمال شاقه محکومین به حبس می‌بایست راجع به امور عام المنفعه باشد. مطابق ماده ۵۳ قانون مجازات عمومی محکومین به حبس با اعمال شاقه باید در داخل یا خارج از زندان به کارهای عام المنفعه یا غیر آن گمارده می‌شدند. قسمتی از حاصل دسترنج زندانیان مذکور باید به اشخاصی که تحت کفالتشان بود و به واسطه حبس آنها بی‌معاش بودند، تخصیص داده می‌شد و همچنین قسمتی از آن به نفع خود زندانی کنار گذاشته می‌شد تا در موقع آزادی به او داده شود(مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۰ ه.ش، ۱۳۸۸: ۱۵۴ و ۱۵۷).

زندانیان خارجی نیز که برای کارهای کشاورزی یا صنعتی مناسب تشخیص داده می‌شدند، به مؤسسات مربوطه اعزام می‌شدند تا در این مشاغل به کار مشغول شوند(اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، ۱۳۸۴: ۶۸ و ۶۹). برخی از زندانیان طبق اسناد جهت کار در معادن به نقاط مختلف کشور فرستاده می‌شدند(حسینی، ۱۳۷۰: ۴۸) به عنوان نمونه مهاجرین شوروی در دوران رضاشاه توسط اداره کل شهربانی به جزیره هرمز تبعید تا در معادن خاک سرخ آنجا کار کنند. اما مهاجران به علت بدی آب و هوای منطقه همه ضعیف و بیمار شده و از آنها هیچ گونه استفاده‌ای نشد (سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۱۳۰۱۳، شماره پاکت ۱۰۲۸۴). در دوران رضاشاه در جزیره قشم هم عده‌ای تبعیدی خاک سرخ از معدن استخراج می‌کردند. آنها عده‌ای از کارگران ایرانی بودند که زمانی در شوروی کار کرده بودند و به همین جرم آنها را به قشم تبعید کرده بودند (آوانسیان، ۱۳۵۸: ۷۸). در دهه‌های بعدی قوانین و طرح‌های کار زندانیان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت بطوریکه در ۹ دی ۱۳۴۴ طرح تکمیل کانون کار و آموزش زندانیان قزل حصار به پایان رسید و ۱۵۰۰۰۰ متر مربع زمین برای تاسیسات کارگاههای زندانیان اختصاص یافت(شفا، ج ۴، ۱۳۵۶: ۱۵۳۰).

کارگاه‌های زندان و استثمار به توان ۲

راقم این سطور به منظور نشان دادن تمایزات میان کارگاههای زندان و کارگاههای شهری بر مفهوم «استثمار» انگشت گذارده است. همانطور که نیک می‌دانیم از قرن ۱۹ سوسیالیست‌ها بر

مساله استثمار کارگران تاکید داشتند ولی تا جایی که نگارنده اطلاع دارد قضیه استثمار زندانیان کارگر مورد توجه قرار نگرفته است. با تامل در این دو نهاد استثمار افزون تر در کارخانجات زندان هویدا می‌شود و لذا راقم این سطور مفهوم «استثمار به توان ۲» را وضع نموده تا وضعیت «زندانیان کارگر» یا یقه نارنجی‌ها را بهتر نشان دهد. چنانکه می‌دانیم کارگاه یا کارخانه یکی از عناصر اصلی زندان مدرن است و با ایجاد آن در محوطه زندان زندانیان می‌توانستند خود را به کاری مشغول کنند. بر اساس قانون ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ صرفاً زندانیان عادی حق کار در کارگاه‌های زندان را داشتند. در آن دوران در دنیا سه نوع روش کار در زندانها متداول بود:

الف) روش مقاطعه کاری که به صورت مزایده انجام می‌گرفت و مقاطعه کار با ایجاد کارگاه، مواد اولیه را فراهم کرده و تمام مخارج زندانی از قبیل لباس، غذا و ... را پرداخت می‌کرد. مقاطعه کار با پرداخت دستمزد به زندانی تولیدات کارگاه را تحویل گرفته و به نفع خود به فروش می‌رساند. اداره زندان در این روش فقط مراقب زندانی است و در صورت لزوم به عنوان مساعده مبلغی به مقاطعه کار می‌پردازد. این روش ساده‌ترین روش کار در زندان است و مشکل اداره زندانها را در سرمایه‌گذاری، ایجاد کارگاه و تهیه مواد اولیه مرتفع می‌کند. اما از حیث اقتصادی مقاطعه کار جهت صرفه‌جویی در مخارج سعی دارد که نوع کار را یکنواخت کرده و زندانیان را در یک حرفه معین به کار وادارد.

ب) روش رژی^۱: در این روش دولت مخارج تأسیس کارگاه و تهیه مواد اولیه را برعهده دارد و تولیدات کار زندانیان را به فروش می‌رساند. این روش بهترین روش تنظیم کار در زندانهاست و تمام مسائل مرتبط مانند تنظیم ساعت کار، دستمزد، نوع کار و... همه در اختیار اداره زندانها است.

ج) روش مختلط: در این روش مقاطعه کار با تهیه مواد اولیه و پرداخت دستمزد به زندانی در زندان سرمایه‌گذاری می‌کند. دولت رأساً اداره زندانها و تنظیم برنامه کار زندانیان را برعهده دارد. باید توجه داشت که روش رژی در تمام زندانها قابل کاربست نیست. در نهادهای کوچک نظیر زندان موقت یا زندان شهرهای کوچک که تعداد اندکی زندانی دارد، ایجاد کارگاه امکانپذیر و به صرفه نیست و به این دلیل نظام مختلط را به اجرا می‌گذارند(گودرزی بروجردی و مقدادی،

^۱.Regie

۱۳۸۳: ۱۸۹). از سه شیوه فوق‌الذکر در زندانهای ایران شیوه دوم یعنی رژی عمل می‌شد چنانکه در زندان قصر اداره زندانها کارگاههای متعددی ایجاد کرد و تمام امور آن را تحت اختیار گرفت. پیش از ساخت زندان قصر در دوره تصدی درگاهی اقداماتی نظیر تأسیس کارگاه قالی بافی و نساجی در زندان تهران صورت گرفته بود (مجله پلیس، ضمیمه شماره ۴، بی تا: ۲۷۹). پس از تأسیس زندان قصر کارگاههای مختلفی از قبیل نجاری، کفاشی، خیاطی، جوراب بافی و ... در آن ایجاد شد (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۴۳). برخی زندانیان، متقاضی کار در بنگاهها و کارخانجات زندان بودند (پیشه وری، ۱۳۸۴: ۳۸). اغلب سارقان در این کارگاهها مشغول به کار بودند. در کارگاهها زندان قصر مبل‌های گرانبها، تابلو (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۱۸: ۱۶) قالی، جوراب و تخته نرد ساخته می‌شد. حتی مواد اولیه از قبیل چوب، عاج، نقره و ... برای کارهایی مثل خاتم کاری و ظریف کاری در کارگاه زندان وجود داشت. پس از ساخت مصنوعات مذکور اداره زندان کالاها را به فروش می‌رساند و حتی گاه در نمایشگاه‌ها به نمایش می‌گذاشت. چنانکه می‌دانیم نمایشگاه دائمی کالای ایران در ۲۰ آبان ماه ۱۳۱۳ توسط رضاشاه در تهران بازگشایی شد. در نمایشگاه تهران یک تالار به کارهای دستی زندانیان تهران و شهرستانها اختصاص یافته بود. در این تالار انواع تابلوهای نقاشی، فرشهای نفیس، ابریشم دوزیهای عالی، مبل‌های چرمی و چوبی به نمایش درآمده بود^۱ (سالنامه پارس سال ۱۰، ۱۳۱۴: ۱۲۷؛ همان، سال ۱۵، ۱۳۱۹: ۱۳۰؛ همان، سال ۱۷، ۱۳۲۱: ۱۹۱).

در این دوران از زندانیان برای تصدی پست‌های زندان استفاده می‌شد. یکی از زندانیان کرد به نام محمد طاهر سلطانی^۲ بنا به اراده حسین نیرومند^۳ به ریاست کل کافه زندان قصر منصوب شد. در این زمان سرهنگ ضرابی رئیس کل کافه، کارگاه و کارخانجات زندان قصر بود. سلطانی علاوه بر تصدی ریاست کل کافه تمام وسایل و اثاثیه کارخانجات زندان را طی نوشته‌ای تحویل گرفت. زندان قصر دوازده کافه داشت که سلطانی دوازده تن از زندانیان کرد زبان را برای

^۱. تصویر برخی از مصنوعات زندانیان در نمایشگاه کالای تهران در نامه شهربانی درج شده است (نامه شهربانی، شماره ۵، ص ۱۶-۱۳؛ نامه شهربانی، شماره ۶، ص ۸ و ۹).

^۲. محمد طاهر سلطانی از کردهای منطقه کرمانشاه

^۳. آخرین رئیس زندان قصر در دوره رضاشاه

تصدی بر هر یک از کافه‌ها منصوب کرد. ضمن اینکه زندان قصر دوازده بقالی نیز داشت که او برای هر یک از آنها نیز متصدی انتخاب کرد. سلطانی اذعان می‌کند که زندانیان هم زبان خود را در کارخانجات زندان به کار گمارد و خود هر روز به کارخانجات می‌رفت و از آنجا سرکشی می‌کرد. در پایان هر روز سرهنگ ضربایی رئیس کل کارخانجات زندان و خزانه‌داری، صندوق را جمع‌آوری کرده، حساب و کتاب را به همراه سلطانی می‌بست و دفتر را مهر و موم می‌کرد. فردا صبح خود ضربایی مهر و موم را باز می‌کرد. در آخر هر ماه سرهنگ ضربایی و سلطانی بیلان حساب را می‌دادند. سلطانی در ابتدای کارش ماهانه سی تومان حقوق دریافت می‌کرد و بعدها او در این پست چنان ترقی کرد که بنا به امر رئیس زندان حقوقش به چهل و پنج تومان معادل روزانه ۱۵ قران افزایش یافت. در زندان سرهنگی به نام جلال الدین نیکخواه بود که پیشتر رئیس کل محاسبات ارتش بود و به جهت اختلاس دولت دارایی‌اش را ضبط کرده بود. سلطانی از رئیس زندان تقاضا نمود تا سرهنگ مزبور به عنوان حسابدار کارخانجات به کار گمارد. حقوق سرهنگ مورد نظر ماهانه ۶ تومان تعیین گردید و به کار مشغول گردید. با حضور سرهنگ نیکخواه در سمت حسابدار در ماههای بعد عایدات سیر صعودی پیدا کرد و همزمان حقوق سلطانی نیز به ۶۰ تومان رسید. برای درک اینکه سلطانی به عنوان یک زندانی چقدر حقوق دریافت می‌کرده است می‌توان به قیاس مستمری افسران آن زمان با حقوق او اشاره کرد. در آن زمان افسران ماهانه ۳۵ تومان حقوق دریافت می‌کردند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۱). ولی باید این نکته را در نظر داشت که سلطانی بنا بر دوستی و رفاقت با ریاست زندان به این مقام و حقوق دست یافت والا وضع زندانیان کارگر به گونه‌ای دیگر بود.

طبق گفته طبری کسانی که در کارخانه کار می‌کردند، ده درصد از پولشان را نگه می‌داشتند تا اگر روزی از زندان آزاد شدند، هزینه اندکی برای بازگشت به زندگی داشته باشند^۱ (طبری، بی‌تا: ۴۹).

البته زندانیان در کارگاه‌ها با خطر اخراج هم مواجه بودند. برخی از زندانیانی که در کارگاه‌های زندان به کار اشتغال داشتند، سابقه سرقت داشتند و در کارگاه‌های زندان هم عادت

^۱. در اواخر دوران پهلوی اول هر کارگر در کارخانه های شهری روزانه نزدیک به یک ریال حقوق دریافت می‌کرد (جهانشاه لو افشار، ۱۳۸۰: ۶۳).

دزدی خود را ترک نگفته و گاه و بی‌گاه مرتکب دزدی می‌شدند (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۱۵۴ - ۴۸) و این نوع رفتارها می‌توانست به اخراج کارگران منتهی شود. به عنوان نمونه دیگر فردی به نام عزت الله با اتهام قتل در کارگاه نجاری زندان قصر مشغول به کار بود. گویا به دلیل اینکه او در میان کارگران حقایقی را منتشر کرده بود، از کارگاه مذکور اخراج شد. زندانی یاد شده به کارگران گفته بود که چرا باید در قبال ۱۲ ساعت کار فقط روزانه سی شاهی مزد دریافت کرد! (طبری، بی‌تا: ۷۰). به نوشته حکیم الهی حقوق «زندانیان کارگر»^۱ زندان قصر در سال ۱۳۲۵ روزی ۳۰ شاهی و ۴ عباسی بود (حکیم الهی، ۱۳۲۵: ۴۳) و ظاهراً دستمزدها اضافه نشده بود.

بند ۷ زندان قصر در دهه ۲۰ محل زیست کارگران کارخانه‌های زندان قصر بود و شاید تصور می‌رفت که وضع و احوالات این کارگران بهتر از دیگر زندانیان است (همان: ۱۰). حکیم الهی از یکی از زندانیان پارچه باف قصر میزان دستمزدش را پرسیده بود که او در جواب گفته بود که بابت بافت هر متر پارچه ۶ عباسی مزد می‌گرفت که این مبلغ هم فقط به مصرف پول سیگارش می‌رسید (همان: ۴۳). به نوشته بزرگ علوی یکی از زندانیان قصر در مقابل روزی ۷ ریال دستمزد دست کم روزی ۱۰۰ ریال کار تحویل می‌دهد (علوی، ورق پاره‌ها زندان، ۱۳۵۷: ۶۳). این واقعیت‌ها مویده همان نظریه مهم مارکس زیر عنوان «ارزش افزوده» است. در واقع بورژوازی، نظام زندان و کارفرمایانش دستمزد و حق کارگران را به خود تخصیص داده و ارزش افزوده از کار اضافی و بدون دستمزد واقعی کارگران به وجود می‌آید. البته مبرهن است که میزان کار اضافی و استثمار حاصله از آن در کارگاه‌های زندان نسبت به کارخانجات بیرون افزون‌تر است.

در واقع همانطوری که مشخص است استثمار «زندانیان کارگر» بسیار بیش از کارگران خارج از نهاد زندان است و جالب اینکه کارگران زندانی با وجود استثمار افزون‌تر هیچ‌گاه در برابر زندان و کارفرمایانشان مبادرت به اعتصاب نمی‌کردند. به نوشته احسان طبری جاسوسی و عدم اعتماد بین زندانیان عادی امری متداول بود بطوریکه اگر فردی از آنان علیه اولیاء زندان صحبتی می‌کرد، بلافاصله به گوش مقامات زندان می‌رسید. گاهی فشار فزاینده زندان برای مدت بسیار کوتاهی آنان را متحد می‌کرد ولی با اندک تهدید و وعده و وعید از صحنه کنار می‌کشیدند (طبری، بی‌تا: ۶۰). درحقیقت می‌توان گفت از آنجائیکه اغلب «زندانیان کارگر» فاقد

^۱. اصطلاح «زندانیان کارگر» از آن نویسنده است والا حکیم الهی به چنین تمایزی واقف نبود.

خودآگاهی و به قول مارکس «طبقه در خود» بودند، دست به مبارزه نمی‌زدند. بدین ترتیب با تاسیس کارگاه‌ها، زندانیان با اشتغال خود روز را سرگرم کاری می‌شدند و دیگر به دلیل بیکاری و فشار عصبی ناشی از آن زندانیان به خرابکاری و سابوتاژ^۱ و اخلال سازمان زندان مبادرت نمی‌کردند. این در حالی است که کارگران در کارخانجات شهری به سابوتاژ دست می‌یازیدند. به عنوان نمونه شعاعیان در سال ۱۳۴۷ به همراه صدری و بهزاد نبوی یک گروه چریک شهری را پدید آوردند و آنها طرحی به منظور خرابکاری و سابوتاژ در کارخانه فولاد اصفهان داشتند که با رصد ساواک لو رفت و برخی در این رابطه بازداشت شدند (وهاب زاده، بی تا: ۵).

فعالیت زندانیان صرفاً به کار در کارگاهها معطوف نبود بلکه بسیاری از کارهای عمومی زندان نیز به خود زندانیان محول گردیده بود و از این طریق درآمدی داشتند. در زندان برخی مسئولیت نظافت را عهده‌دار بودند و معمولاً این وظیفه به سارقان و قاتلان محول می‌گردید که غالباً به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده بودند. این زندانیان به کارهایی از قبیل آماده کردن چای و غذا می‌پرداختند (علوی، ۱۳۷۷: ۲۱۰). اصغر قاتل^۲ و حاجی محمد باقر گلپایگانی با قندی که اصغر از اداره زندان می‌گرفت، سکنجبین درست کرده و می‌فروختند (پیشه وری، ۱۳۸۴: ۵۶). برخی زندانیان نیز خود برای اشتغال شان دست به ابتکار می‌زدند. دو تن زندانی از اتباع روسیه با خمیر نان، مهره‌های شطرنج و مجسمه‌های کوچکی می‌ساختند و از فروش آنها نیازهای ضروری خود اعم از سیگار و چای را فراهم می‌کردند. محکومان ایرانی نیز عروسک‌هایی می‌ساختند و آنها مصنوعات خود را به خویشان و بستگان خود داده و آنها در خارج از زندان به قیمت واقعی به فروش می‌رساندند. درحالی که مهاجران روس دست ساخته‌های خود را به پاسبانان می‌دادند تا آنان این اشیاء را به فروش برسانند. طبیعی بود که بخش قابل توجهی از پول حاصله از مصنوعات آنها را پاسبانان بر می‌داشتند و فقط مقدار ناچیزی به زندانیان می‌رسید (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۸۷). برخی سارقان نیز با نخ و ابریشم روی پارچه گلدوزی می‌کردند و عده ای از سارقان در این حرفه مهارت تمام یافته بودند (علوی، پنجاه و سه نفر، ۱۳۵۷: ۴۱).

^۱ . Sabotage

^۲ . قاتل زنجیره ای معروف که به تعداد بی شماری کودک در عراق و ایران تعرض کرده و بعد به قتل رسانده بود. وی در سال ۱۳۱۳ به دار مجازات آویخته شد.

نتیجه

چنانکه گفته شد کارگاه یکی از عناصر جدید در زندان مدرن است. مساله مقاله حاضر نوع و کیفیت کار زندانیان در کارگاه‌های زندان بود. اینکه چرا استعمار «زندانیان کارگر» بیش از کارگران آزاد است؟ فرضیه تحقیق کنونی متضمن این ایده است که میزان اجبار و الزام، خودآگاهی و انتخاب‌های زندانیان کارگر با کارگران معمول جامعه متفاوت است بطوریکه زندانیان کارگر برخلاف هموعانشان در جامعه واجد کمترین انتخاب در نوع شغل، فاقد خودآگاهی و به تبع آن فاقد اقداماتی در جهت مبارزه برای احراز حقوق خود بودند. به نظر می‌رسد کارخانه در ساحت زندان با کارخانه در صور متداولش تمایزاتی دارد. کارگر در کارخانه با آزادی‌های نسبی کار را انتخاب می‌کند. او حق دارد به کارخانجات مختلف سر بزند و کار و شرایط کارخانه را ملاحظه و دست به انتخاب بزند. اما کار در کارخانجات زندان با تعیین تکلیف‌های کارفرمایان و استثماری بسیار بیش از کارخانجات بیرون از زندان همراه است. لذا برای ایضاح وضعیت و ماهیت کاری آنان شاید نیازی به خلق مفهوم نوینی بود. از این جهت نگارنده برای تبیین وضعیت «زندانیان کارگر» یا یقه نارنجی‌ها اصطلاح «استعمار به توان ۲» را وضع نموده است تا تمایز آن را با استعمار کارگران زندانی یا یقه آبی‌ها نشان دهد. مطابق قانون فقط زندانیان عادی و نه سیاسی حق کار در کارگاه‌های زندان را داشتند و از این رو کارکنشی غیرسیاسی بود که کارگران زندان قصر که اغلب از سارقان و تبهکاران بودند، بدان اشتغال داشتند. آنها به دلیل آنکه فاقد بینش طبقاتی و خودآگاهی ملازم با آن بودند، هیچ‌گاه یک «طبقه برای خود» نبودند. از این رو استعمار کارگران زندانی افزون‌تر از کارگران بیرون از نهاد زندان بود. استعمار کارگران زندانی هم در پرداخت حقوق و هم در ساعات اضافی کارشان قابل رصد و ارزیابی است. اما باید توجه داشت که کارگرانی که در صنعت نفت جنوب به دلیل اعتصاب زندانی می‌شدند، همان زندانیان نبودند که در کارخانجات زندان کار می‌کردند. کارگران اغلب با اتهامات سیاسی دستگیر شده بودند و سیاسی‌ها حق کار کردن در کارخانجات زندان قصر را نداشتند. شاید برای نخستین بار است که ما با دو نوع متمایزی از کارگران در چارچوب یک نهاد یعنی نهاد زندان مواجه می‌شویم؛ دسته‌ی نخست کارگرانی هستند که قبل از حبس به عنوان یقه آبی در کارخانجات صنعتی همچون شرکت نفت انگلیس و ایران، چاپخانه‌ها و نظائر

آن مشغول به کار بودند. این طیف به مجرد بازداشت به عنوان زندانی سیاسی طبق قانون اجازه کار در کارخانجات زندان را نداشتند. ولی گاه با اعتصاب به خواسته خود هم رسیده و در کارگاه‌های زندان به کار مشغول می‌شدند. ولی دسته دوم گروهی از به اصطلاح مجرمان را شامل می‌شدند که در جامعه مبادرت به جرم‌هایی همچون سرقت، ضرب و جرح، و جنایت کرده بودند و اینک به عنوان زندانی عادی در کارگاه‌های زندان مشغول به کار می‌شدند. یقه آبی‌ها قبل از حبس با خودآگاهی طبقاتی در سامان دادن اعتصابات کارگری نقش داشتند ولی طیف دوم که احتمال آن هم می‌رود که برخی از آنان سوابق کارگری هم داشته باشند، اغلب بیکار بوده و از فرط بیکاری به رفتارهای مخاطره آمیز علیه دیگر شهروندان مبادرت می‌کردند. بدین جهت بی آنکه مفهوم لمپن را بر همه این زندانیان بار کنیم، می‌توان شمار قابل توجهی از آنان را لمپن تلقی کرد.

منابع و ماخذ

- آوانسیان، اردشیر (۱۳۵۸) *یادداشت‌های زندان ۱۹۴۲-۱۹۲۸*، بی جا، انتشارات حزب توده ایران
- *اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی*، (۱۳۸۴) زیر نظر علی شمس، با همکاری علی کریمیان و حسین زرینی، تهران، انتشارات راه تربیت
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) *تاریخ منتظم ناصری*، جلد سوم، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب
- بابایی، پرویز (۱۴۰۰) بازخوانی گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران، تهران، روزآمد، چاپ دوم
- بری دال، سون (۱۳۸۰) *گزارش نظمیه تهران سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۲*، ترجمه عبدالرضا بهادری، تهران، دستان
- پلیس ایران (۲۵۳۵) بی جا، روابط عمومی شهربانی کشور
- پیشه‌وری، جعفر (۱۳۸۴) *زندان رضاشاه*، تهران، نشر پسیان
- پیشه‌وری، میر جعفر (۱۳۷۷) «نهضت صنفی کارگران دنیا قبل از جنگ»، در: آخرین سنگر آزادی، مجموعه مقالات میر جعفر پیشه‌وری در روزنامه حقیقت، به کوشش رحیم رئیس‌نیا، تهران، شیرازه
- جودت، حسین (۲۵۳۶) *از انقلاب مشروطیت تا انقلاب شاه و ملت*، بی جا، چاپ درخشان
- جهان‌شاه لو افشار، نصرت الله (۱۳۸۰) *ما و بیگانگان*، تهران، نشر ورجاوند

- حسینی، مریم السادات «زندان و زندانی در ایران» در: گنجینه اسناد، ۱۳۷۰، سال ۱، دفتر سوم و چهارم
- خامه ای، انور (۱۳۷۲) *خاطرات سیاسی*، تهران، نشر گفتار
- دشتی، علی (۱۳۸۰) *ایام محبس*، تهران، اساطیر
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱) *حیات یحیی*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات عطار
- سلطانی، محمد طاهر (۱۳۸۴) *خاطرات سلطانی (از قصر شیرین تا قصر قعبر)* به اهتمام محمد علی سلطانی، تهران، سها سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲) *نظم و نظمیه در دوره قاجاریه*، تهران، انتشارات یساولی (فرهنگسرا)
- شفا، شجاع الدین (۱۳۵۶) *گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی*، ج ۴، تهران، کتابخانه پهلوی
- طبری، احسان (بی تا) *شکنجه‌های رضا خان قلدر، بی جا، ا. آهن*
- بدون مولف (۱۳۵۷) «طبقه کارگر ایران (بررسی شرایط زندگی، اختناق و مبارزه آنان)» ترجمه فرهاد نعمانی، بی جا، انتشارات همگام
- علوی، بزرگ (۱۳۵۷) *پنجاه و سه نفر*، تهران، امیرکبیر
- علوی، بزرگ (۱۳۵۷) *ورق پاره‌های زندان*، تهران، جاویدان خرد
- علوی، بزرگ (۱۳۷۷) *خاطرات*، به کوشش حمید احمدی، تهران دنیای کتاب
- کریستنسن، آرتور (۱۳۷۷) *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ نهم
- کولاکوفسکی، لشک (۱۳۸۴) *جریان‌های اصلی در مارکسیسم (برآمدن، گسترش و فروپاشی)* ترجمه عباس میلانی، ج ۱، تهران، نشر آگاه
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۳) *تاریخ تحولات زندان*، تهران، میزان
- گیلین، (بی تا) «کار در زندان»، در: نامه شهربانی، شماره ۵
- مارکس، کارل و فریدریش انگلس (۱۳۷۷) *ایدئولوژی آلمانی*، ترجمه تیرداد نیکی، تهران، شرکت پژوهشی پیام پیروز
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (بی تا) *سفر نامه کلات*، به تحشیه محمود خلیل پور، چاپ افست، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
- مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۰ (۱۳۸۸) بخش اول، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- مختاری، پاشا لواء (۱۳۲۹) *تاریخ هفتاد ساله پلیس ایران*، بی جا، چاپخانه ارتش

- مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دورهٔ مجلس شورای ملی، (۱۳۶۱) به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران
- ناظرزاده کرمانی، در: نامه شهربانی، سال چهارم، شماره ۵، اردیبهشت ۱۳۱۸
- ووله، ژاک (۱۳۴۸) *روشن‌دانه زندان*، اقتباس و ترجمه رضا علومی، تهران، انتشارات اقبال
- وهاب زاده، پیمان (بی تا) «روشنفکر بی مانند: مصطفی شجاعیان، پژوهشگر انقلابی»، ترجمه حسین رحمتی، در: نقد اقتصاد سیاسی
- **مجلات**
- پلیس، ضمیمه شماره ۴
- خواندنیها، سال ۱۴، شماره ۸۵، ۱۳۳۳/۴/۲۶
- سالنامه پارس سال ۱۰، ۱۳۱۴
- سالنامه پارس، سال ۱۵، ۱۳۱۹
- سالنامه پارس، سال ۱۷، ۱۳۲۱
- نامه شهربانی، بی تا، شماره ۱۸
- سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۱۳۰۱۳، شماره پاکت ۱۰۲۸۴
- Buadrillard, Jean(1975) *The mirror of production*, translated by mark poster, Telos press, united states of America